



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Examining the level of school belonging among Afghan elementary students as a mental vitality

Hasan Bakhtiari^{*1}, Farzaneh Pakdaman², Maliheh rahchamani³

¹ Master's student in Curriculum Planning, Kharazmi University, Karaj, Iran.

² PhD in Curriculum Planning, Center Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Invited Professor of Farhangian University.

³ Bachelor of Educational Sciences, Shahid Rajaei Teacher Training Center, Semnan, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

. Feeling
. Belonging
. Student
. School
. Afghan

1. Corresponding author:
Hasan Bakhtiari

✉ Hasan.bakhtiari79@gmail.com

Background and Objectives: Afghan students, who make up a significant portion of migrants in Iran, hold the status of migrant citizens with rights and responsibilities. One of their rights is the right to education in schools. A sense of belonging to school is considered a vital element in the growth and flourishing of students, and its absence can lead to various negative consequences. In this research, we aim to explore this sense of belonging among Afghan students. **Methods:** For conducting this research, a survey research method was employed. To assess the sense of belonging among Afghan students, we used the Belongingness Questionnaire developed by Brew and colleagues. In this research, we have used the Sense of Belonging Questionnaire by Berry and colleagues to investigate the feeling of belonging. The statistical population of the study consisted of all Afghan elementary school students in Pakdasht city, of whom 264 were randomly selected for the sample size. The questionnaire data were analyzed and examined using SPSS 21 software and univariate descriptive statistics. **Findings:** The range of scores, 57, shows that there are significant differences in the sense of belonging among students. The standard deviation of 12.03 indicates a good dispersion of these feelings among students. However, in the component of academic participation, the data suggest that students may have little interest in studying and participating in academic activities. **Conclusion:** A positive sense of belonging is observed among Afghan students. However, various measures can be designed to improve the sense of belonging to school and student participation. These measures should include training programs for teachers, incentive activities for students, and creating a fair and respectful environment in school.

ISSN (Online): 2980-7948

DOI: 10.48310/jcdr.2025.17848.1119

Received: 2024-12-23

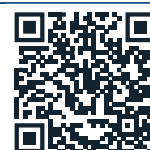
Reviewed: 2025-03-21

Accepted: 2025-03-26

pp: 72-82

Citation (APA): Bakhtiari, H. , Pakdaman, F. and Rahchamani, M. (2025). Examining the sense of belonging to school among Afghan primary school students as mental vitality. *Journal of research in curriculum studies*, 5(1), 72-82.

 <https://doi.org/10.48310/jcdr.2025.17848.1119>



بررسی میزان احساس تعلق به مدرسه در بین دانش آموزان افغان مقطع ابتدایی به منزله نشاط ذهنی

مقاله پژوهشی

حسن بختیاری^{۱*}، فرزانه پاکدامن^۲، ملیحه راه چمنی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.

۲. دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران، مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان.

۳. کارشناسی علوم تربیتی، مرکز تربیت معلم شهید رجایی، سمنان، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: دانش آموزان افغان که بخش قابل توجهی از مهاجران در ایران را تشکیل می دهند در جایگاه یک شهروند مهاجر دارای حقوق و مسئولیت هایی هستند. یکی از حقوق آن ها، حق تحصیل در مدارس است. احساس تعلق به مدرسه، عنصری حیاتی در رشد و شکوفایی دانش آموزان محسوب می شود و فقدان آن می تواند پیامدهای منفی متعددی به دنبال داشته باشد. این موضوع برای دانش آموزان مهاجر، به ویژه دانش آموزان افغان که ممکن است با چالش های فرهنگی، زبانی و اجتماعی بیشتری روبرو باشند، اهمیتی دوچندان پیدا می کند. در این پژوهش ما به دنبال بررسی این احساس در میان دانش آموزان افغان هستیم. **روش ها:** برای انجام این پژوهش از روش پژوهش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان افغان مقطع ابتدایی شهرستان پاکدشت بوده اند که ۲۶۴ نفر از آنان به صورت تصادفی برای حجم نمونه انتخاب شده اند. برای بررسی میزان احساس تعلق دانش آموزان افغان از پرسشنامه حس تعلق بری و همکاران استفاده کرده ایم. پرسشنامه ها در اختیار دانش آموزان قرار گرفت و بعد از جمع آوری، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۱ و از طریق آمارهای توصیفی تک متغیره مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. **یافته ها:** داده های به دست آمده حاکی از آن است که به طور کلی احساس تعلق خوبی در بین دانش آموزان افغان به مدرسه وجود دارد. دامنه نمرات ۵۷ نشان می دهد که تفاوت های قابل توجهی در احساس تعلق بین دانش آموزان وجود دارد. انحراف معیار ۱۲/۰۳ نشان دهنده پراکندگی مناسب این احساسات در میان دانش آموزان است. اما در مؤلفه مشارکت علمی داده های به دست آمده حاکی از آن است که دانش آموزان ممکن است نسبت به تحصیل و مشارکت در فعالیت های علمی رغبت کمی داشته باشند. **نتیجه گیری:** احساس تعلق مثبت در بین دانش آموزان افغان دیده می شود. اما می توان اقدامات مختلفی را برای بهبود وضعیت احساس تعلق به مدرسه و مشارکت دانش آموزان طراحی کرد. این اقدامات باید شامل برنامه های آموزشی برای معلمان، فعالیت های تشویقی برای دانش آموزان، و ایجاد فضایی عادلانه و محترم در مدرسه باشد. فضای عادلانه محیطی است که در آن همه دانش آموزان، فارغ از تفاوت هایشان، به فرصت های برابر آموزشی و حمایتی دسترسی داشته باشند. این فضا، زمینه را برای شکوفایی و موفقیت همگانی فراهم می کند.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن
مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.48310/jcdr.2025.17848.1119

واژه های کلیدی:

احساس
تعلق
دانش آموز
مدرسه
افغان



۱. نویسنده مسئول:

حسن بختیاری

Hasan.bakhtiari79@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۰-۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴-۰۱-۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۱-۰۶ شماره صفحات: ۸۲-۷۲

COPYRIGHTS



©2025 Bakhtiari, H. & et al. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

افغانستان از سال‌های دور همواره در مرکز جنگ‌های کشورهایمانند ایران، انگلستان، هند و شوروی بوده است. کشوری با مرز مشترک ۸۵۰ کیلومتری که بخش‌هایی از آن روزگار مدیدی متعلق به ایران بود و امروزه نیز میراث‌دار جغرافیای فرهنگی خراسان بزرگ است (Sajjadpour & Jamali Sousefi, 2016). این سرزمین در ۱۸۵۷ به تحریک و فشار انگلستان از ایران جدا شد و در ۱۹۱۹ نیز با جسارت پادشاه جوان امان اله خان رسماً استقلال یافت (Gregorian, 2014). اما همواره عرصه‌ای برای جولان قدرت‌های سیاسی مختلف بوده است. این شرایط بی‌ثبات سیاسی موجب شده افغان‌ها همواره به نزدیک کشورهای منطقه همچون ایران، پاکستان و تاجیکستان مهاجرت کنند.

افغان‌ها از دیرباز جهت تجارت، کار کردن یا در اثر بلاهای طبیعی چون خشک‌سالی و ... به ایران مهاجرت کرده‌اند. اما در دهه ۱۹۷۰ خیل عظیمی از ایشان برای اشتغال در صنعت نفت وارد کشور شدند (Abbasi-Shavazi et al, 2008). ناسامانی‌ها در افغانستان آن‌قدر ادامه پیدا کرده است که قریب به چهل سال است که این مهاجرت‌ها ادامه دارد. مخصوصاً در چند سال اخیر با حمله طالبان و جنایت‌های آنان، مهاجرت افغان‌ها بیش‌ازپیش شده است. به‌طوری‌که در بعضی از شهرها یا روستا اغلب جمعیت را افغان‌ها تشکیل می‌دهند.

بسیاری از افغان‌ها در ایران به دنیا آمده، تحصیل کرده و تشکیل خانواده داده‌اند. زندگی آن‌ها در ایران بدین معناست که آن‌ها نیز جزئی از جامعه محسوب می‌شوند و به‌عنوان یک مهاجر دارای حقوق و مسئولیت‌هایی هستند. جامعه فضایی است که هر انسانی در آن حق زندگی و برخورداری از حقوق شهروندی را دارا می‌باشد. یکی از حقوق مهاجران افغان حق تحصیل آن‌ها در مدارس است. تا قبل از سال ۱۳۹۴ فقط دانش‌آموزان افغان که دارای مدارک قانونی بوده‌اند، حق تحصیل در مدارس را داشته‌اند و کودکانی که اقامت قانونی نداشتند، در مدارس خودگردان آموزش می‌دیدند یا از آموزش بازمی‌ماندند. اما در سال ۱۳۹۴ با دستور رهبری تمامی کودکان افغان چه آن‌هایی که اقامت قانونی دارند یا حتی اقامت غیرقانونی، می‌توانند در مدارس ثبت‌نام کنند (Mirzaei, 2017).

مدرسه، جامعه‌ای در مقیاس کوچک‌تر است. در مدرسه دانش‌آموزان در کنار یکدیگر یاد می‌گیرند، تعامل دارند و به‌عنوان اعضای این جامعه دارای حقوق و مسئولیت‌هایی هستند. مدرسی که دانش‌آموزانی با ملیت‌های مختلف از جمله افغان‌ها دارند، باید به حقوق این افراد توجه نماید و آن‌ها را مانند اعضای دیگر جامعه (مدرسه) برای نیل به اهداف تربیتی‌شان هدایت کند. دوران مدرسه از جمله مقطع ابتدایی، دوره‌ای مهم و سازنده در زندگی افراد است. زیرا در این دوره دانش‌آموزان از نظر عاطفی، جسمی، شخصیتی و اخلاقی رشد می‌کنند. محیط مدرسه فضایی برای رشد و تأمین سلامتی این ابعاد انسانی است. یکی از مواردی که مدارس باید به آن بسیار توجه کنند، تأمین امنیت و سلامت روانی دانش‌آموزان است. مهم‌ترین عوامل محیطی که بر سلامت روان دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد عبارت‌اند از: سلامت جسمی، محیط خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی (Basu & Banerjee, 2020). این عوامل می‌توانند بر سلامت روان مؤثر باشند و اختلال در هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به علائم بیرونی روانی، افزایش اضطراب و دوره‌های افسردگی شوند (Irma Kue, 2023).

تأمین سلامت روانی مانند سلامت جسمی بسیار حائز اهمیت است. یکی از ابعاد سلامت روانی، نشاط ذهنی است. از نظر Bostic (2003) نشاط ذهنی، تجارب درونی سرشار از انرژی معرفی می‌گردد. به اعتقاد Ryan & Deci (2008)، نشاط ذهنی در قالب دارا بودن انرژی ذهنی و بدنی تعریف گردیده و افراد دارای سطوح بالای نشاط ذهنی، حسی از شوق و انرژی را تجربه می‌کنند. اصولاً این‌گونه افراد، خود را توانمند و تأثیرگذار بر تعامل با محیط پیرامون، فارغ از هرگونه درگیری با محیط و عدم کنترل از سوی بیرون پنداشته و خود را به‌عنوان منبع اعمال خویش می‌شناسند (Vlachopoulos, S & Karavani, 2009; Ju, 2017) و در جهت اعمال هدفمند، انرژی خود را تنظیم می‌نمایند (Ryan & Deci, 2008). به نظر می‌رسد، نشاط ذهنی موجب نگرش مثبت به زندگی، تعادل هیجانی، خودپنداری مثبت، عملکرد مؤثر تحصیلی و نگرش مطلوب می‌شود (Sylvester, 2011). یکی از مواردی که منجر به

نشاط ذهنی می‌شود، حس تعلق است. محیط مدرسه باید مانند محیط خانواده (خانواده سالم)، به دانش‌آموز حس امنیت و بهزیستی بدهد (Marzieh & Janabadi, 2017). (Sharifi,)

You et al (2008) احساس تعلق به مدرسه را به‌عنوان کیفیت ارتباط و احساس همبستگی دانش‌آموزان با همکلاسی‌ها و معلمان خود تعریف کرده است. همچنین Whitlock (2006) احساس تعلق به مدرسه را یک حالت روان‌شناختی می‌داند که در آن دانش‌آموزان از جانب بزرگ‌ترها و کسانی که مسئولیت تصمیم‌گیری را بر عهده دارند احساس ایمنی و اطمینان می‌کند. هر چه دانش‌آموزان احساس تعلق بیشتری به مدرسه داشته باشند، از ادراک تحصیلی بالاتری برخوردار خواهند بود (from Mesrabadi, 2010). (Sueng quoted) دانش‌آموزانی که احساس تعلق به مدرسه داشته باشند، خود را در فعالیت‌های مدرسه سهیم می‌دانند و این امر باعث افزایش انگیزه پیشرفت در آن‌ها جهت رسیدن به اهداف موردنظر مدرسه می‌شود و به تبع افزایش احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت نیز بالا می‌رود و باعث افزایش تعاملات دانش‌آموزان با معلمان همکلاسی‌ها و سایر دانش‌آموزان می‌شود که نیاز به حضور در مدرسه و ارتباط با معلمان افزایش می‌یابد (McNealy, 2002).

بنابراین، تعلق به مدرسه نشان‌دهنده این است که دانش‌آموزان چه احساسی نسبت به مدرسه خود دارند و چقدر به همسالان، معلمان و کادر آموزشی و اجرایی مدرسه احساس تعلق می‌کنند (Wong et al, 2019). (Wong et al) مدارس باید به‌گونه‌ای عمل کنند تا دانش‌آموزان احساس تعلق به مدرسه داشته باشند. در این میان دانش‌آموزان افغان که با ملیتی متفاوت در کنار دانش‌آموزان ایرانی هستند نیز باید بنا بر حقوق شهروندی که دارند، نسبت به مدرسه احساس تعلق داشته باشند. داشتن احساس تعلق به مدرسه در میان دانش‌آموزان افغان هم آن‌ها و هم مدرسه را برای رسیدن به اهداف تربیتی و آموزشی یاری می‌کند.

عدم احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه، پیامدهای جدی در پی دارد. عملکرد تحصیلی‌شان به شدت افت می‌کند و انگیزه یادگیری از بین می‌رود. غیبت و تأخیرهای مکرر، امری رایج می‌شود. رفتارهای انضباطی و مشکلات رفتاری افزایش می‌یابد. از نظر روانی، اضطراب و افسردگی گریبان گیرشان خواهد شد. عزت نفس‌شان پایین می‌آید و روابط اجتماعی‌شان آسیب می‌بیند. احساس انزوا و طردشدگی، آن‌ها را در معرض خطر رفتارهای پرخطر قرار می‌دهد. این دانش‌آموزان ممکن است مدرسه را ترک کنند و مشکلاتشان در آینده تشدید شود. این موضوع برای دانش‌آموزان مهاجر، به‌ویژه دانش‌آموزان افغان که ممکن است با چالش‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی بیشتری روبرو باشند، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. برای جلوگیری از این وضعیت، ایجاد محیطی امن، حمایتی و مشارکتی در مدرسه ضروری است. مدارس باید به نیازهای عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان توجه کنند تا از ایجاد چنین مشکلاتی جلوگیری کنند. بنابراین مسئله پژوهش حاضر عبارت است از بررسی میزان احساس تعلق دانش‌آموزان افغان به مدرسه.

پیشینه پژوهش

Javdan & Montaseri (2011) در پژوهش خود تحت عنوان "مقایسه احساس تعلق، سازگاری اجتماعی، عاطفی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان ابتدایی ایران و افغان" به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و مهاجر بودن این افراد در ایران تمام متغیرهای مورد بررسی (احساس تعلق، سازگاری اجتماعی، عاطفی و سرزندگی تحصیلی) در دانش‌آموزان ایرانی بالاتر از دانش‌آموزان افغان است. (Mardi et al (2021) در پژوهش خود تحت عنوان "رابطه اشتیاق تحصیلی، اشتیاق به مدرسه و احساس تعلق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی با واسطه انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر" به این نتیجه رسیده‌اند که مدل رابطه اشتیاق تحصیلی، اشتیاق به مدرسه و احساس تعلق به مدرسه با پیشرفت تحصیلی با واسطه انگیزش پیشرفت تحصیلی برازش مناسبی داشت. همچنین، هر سه متغیر اشتیاق تحصیلی، اشتیاق به مدرسه و احساس تعلق به مدرسه بر انگیزش پیشرفت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی و متغیر انگیزش پیشرفت تحصیلی اثر مستقیم و معنادار داشت. علاوه بر آن اشتیاق تحصیلی، اشتیاق به مدرسه و احساس تعلق به مدرسه با واسطه انگیزش پیشرفت تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی اثر

غیرمستقیم و معنادار داشتند. (Alirezaei & Sattari (2019) در پژوهش خود تحت عنوان "مقایسه‌ی احساس تعلق به مدرسه و انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه مدارس عادی و هوشمند" به این نتیجه رسیده‌اند که احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان مدارس عادی بالاتر از مدارس هوشمند است. همچنین بین انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس عادی با دانش‌آموزان مدارس هوشمند تفاوت معناداری وجود ندارد. (Sharifi, Marzieh & Janabadi (2017) در پژوهش خود تحت عنوان "رابطه اهداف پیشرفت با احساس تعلق به مدرسه و نشاط ذهنی دانش‌آموزان" به این نتیجه رسیده‌اند که در زمینه اهداف پیشرفت، بین جهت‌گیری‌های رویکردی-تبحری و رویکردی-عملکردی با احساس تعلق به مدرسه و نشاط ذهنی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد جهت‌گیری رویکردی-تبحری توانسته است بر احساس تعلق به مدرسه با مقدار (۷/۱) درصد واریانس تأثیر بگذارد و آن‌ها پیش‌بینی کند. همچنین جهت‌گیری رویکردی-عملکردی توانسته بر نشاط ذهنی با مقدار (۰/۱۱) درصد واریانس تأثیر بگذارد و آن‌ها پیش‌بینی کند، و در گام دوم، جهت‌گیری رویکردی-تبحری توانسته بر نشاط ذهنی با مقدار (۰/۱۳) درصد واریانس تأثیر بگذارد و آن‌ها پیش‌بینی نماید.

روش

با توجه به ماهیت پژوهش و هدف آن، این پژوهش در دسته پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد. برای انجام این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان افغان مقطع ابتدایی شهرستان پاکدشت می‌باشند که از بین آنان نمونه‌ای به حجم ۲۶۴ نفر به صورت تصادفی برای انجام پژوهش انتخاب شدند. برای سنجش متغیر موردنظر پژوهش از ابزاری به نام پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه (Brew et al (2004) استفاده شده است. این پرسشنامه به صوت جملات مثبت در مقیاس لیکرت چهار گزینه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) در ۲۷ سؤال طراحی شده است و دارای ۶ مؤلفه شامل حمایت معلم (۹ سؤال)، مشارکت اجتماعی (۴ سؤال) احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه (۴ سؤال)، احساس مثبت به مدرسه (۴ سؤال)، تعلق فرد به مدرسه (۳ سؤال) و مشارکت علمی (۳ سؤال) است. ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ و برای مؤلفه‌های احساس تعلق به همسالان ۰/۷۳، حمایت معلم ۰/۸۹، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه ۰/۷۵، مشارکت کردن در جامعه ۰/۸۴، ارتباط فرد با مدرسه ۰/۶۹ و مشارکت علمی ۰/۷۸، گزارش شده است (Beatty & Brew, 2005). در ایران در یک مطالعه روایی محتوای پرسشنامه توسط متخصصان بررسی و تأیید شد. برای بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد و آلفای کل مقیاس ۰/۹۲ به دست آمد (Hakimzadeh et al, 2014). در پژوهش حاضر نیز مقدار پایایی پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰ به دست آمد. روش اجرا نیز بدین صورت بود که پرسشنامه‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت و به آن‌ها اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنان کاملاً محرمانه است. سپس بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 21 و از طریق آمارهای توصیفی تک متغیره به تحلیل داده‌ها پرداختیم.

یافته‌ها

جدول ۱. آمار توصیفی مؤلفه‌ها بر اساس داده‌های پرسشنامه

میانگین	حمایت معلم	مشارکت اجتماعی	احساس رعایت عدالت و احترام	احساس مثبت به مدرسه	تعلق فرد به مدرسه	مشارکت علمی
۲۹/۸۸	۱۲/۵۳	۱۳/۲۳	۱۱/۷۴	۸/۷۹	۱۰/۱۲	
خطای استاندارد	۰/۲۸۸	۰/۱۳۵	۰/۱۳۱	۰/۱۱۶	۰/۱۳۲	۰/۱۰۵

میانگین						
میانه	۳۱	۱۲	۱۴	۱۲	۹	۱۱
مد	۳۱	۱۲	۱۴	۱۳	۸	۱۱
انحراف معیار	۴/۷۰	۲/۲۰	۲/۱۳	۱/۸۹	۲/۱۵	۱/۷۱
واریانس	۲۱/۹۱۷	۴/۸۱۳	۴/۵۲۶	۳/۵۶۸	۴/۶۰۹	۲/۹۰۵
دامنه	۲۰	۹	۹	۹	۹	۷
کمینه	۱۶	۷	۷	۷	۳	۵
بیشینه	۳۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۲	۱۲
مجموع	۷۸۸۸	۳۳۰۸	۳۴۹۲	۳۱۰۰	۲۳۲۰	۲۶۷۲

با توجه به داده‌های جدول ۱ و میانگین هر یک از مؤلفه‌ها، حمایت معلم (۲۹/۸۸)، مشارکت اجتماعی (۱۲/۵۳)، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه (۱۳/۲۳)، احساس مثبت به مدرسه (۱۱/۷۴)، تعلق فرد به مدرسه (۸/۷۹) و مشارکت علمی (۱۰/۱۲) درمی‌یابیم که هر ۶ مؤلفه در میان دانش‌آموزان افغان به میزان خوب و قابل‌توجهی وجود دارد و همچنین با توجه به داده‌های جدول ۲ که مقیاس اصلی پژوهش حاضر است نیز می‌توان به این نتیجه رسید که در بین دانش‌آموزان افغان به میزان خوب و قابل‌توجهی احساس تعلق به مدرسه وجود دارد. در ادامه به تحلیل جامع‌تری از داده‌های جدول ۱ می‌پردازیم.

۱- حمایت معلم

تحلیل: حمایت معلم به‌عنوان بالاترین میانگین در میان مؤلفه‌ها، نشان‌دهنده این است که دانش‌آموزان احساس بسیار قوی از حمایت و درک از طرف معلمان دارند. این موضوع می‌تواند تأثیر مثبت زیادی بر انگیزه تحصیلی و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین، واریانس بالا در این مؤلفه به وجود تفاوت‌های چشمگیر در احساسات دانش‌آموزان نسبت به حمایت معلم اشاره می‌کند؛ به این معنا که برخی از دانش‌آموزان ممکن است احساس حمایت قوی‌تری داشته باشند درحالی‌که برخی دیگر احساس کم‌تری دارند.

۲- مشارکت علمی

تحلیل: مشارکت علمی پایین نشان‌دهنده این است که ممکن است دانش‌آموزان نسبت به تحصیل و مشارکت در فعالیت‌های علمی رغبت کمی داشته باشند. این ممکن است ناشی از عدم انگیزه، محتوای درسی غیر جذاب یا عدم حمایت کافی از جانب معلمان باشد. انحراف معیار کوچک نشان‌دهنده همگنی در داده‌هاست؛ یعنی بیشتر دانش‌آموزان دریافت مشابهی از مشارکت علمی دارند.

۳- تعلق فرد به مدرسه

تحلیل: احساس تعلق کم به مدرسه می‌تواند به چالش‌های جدی در ایجاد محیطی مثبت منجر شود. ممکن است عوامل اجتماعی، فرهنگی یا حتی مشکلات شخصی در این امر دخالت داشته باشند. انحراف معیار متوسط متعاقباً به ما می‌گوید که این احساس تعلق در بین دانش‌آموزان کاملاً متفاوت است و برخی از آن‌ها ممکن است احساس تعلق قوی‌تری داشته باشند.

۴- احساس مثبت به مدرسه

تحلیل: این احساس به‌طور کلی نشان‌دهنده مثبت بودن تجربه تحصیلی و واکنش‌های عاطفی نسبت به مدرسه است، هرچند هنوز نسبت به ایده‌آل ممکن است فاصله داشته باشد. انحراف معیار نشان‌دهنده وجود بعضی از تنوع‌ها در احساسات مثبت دانش‌آموزان است.

۵- احساس رعایت عدالت و احترام

تحلیل: حس عدالت و احترام در محیط مدرسه مهم است و میانگین نسبتاً بالای آن نشان‌دهنده دسترسی بیشتر دانش‌آموزان به یک محیط عادلانه است. این موضوع می‌تواند به تقویت حس تعلق به مدرسه و ایجاد محیطی مثبت کمک کند.

۶- مشارکت اجتماعی

تحلیل: حالت مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده این است که دانش‌آموزان توانایی و تمایل برای مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی را دارند. می‌توان گفت که این مؤلفه نسبت به سایر مؤلفه‌ها در موقعیت بهتری قرار دارد، اما هنوز پتانسیل پیشرفت و بهبود دارد.

جدول ۲. آمار توصیفی مقیاس اصلی (احساس تعلق به مدرسه)

احساس تعلق به مدرسه	میانگین	خطای استاندارد میانگین	میان	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه	کمترین	بیشترین	مجموع
	۸۶/۲۸	۰/۷۴	۸۶/۵۰	۸۶	۱۲/۰۳	۱۴۴/۷۵	۵۷	۵۱	۱۰۸	۲۲۷۸۰

احساس تعلق به مدرسه با میانگین ۸۶.۲۸ به‌طور کلی نشان‌دهنده احساس قوی نسبت به محیط مدرسه از سوی دانش‌آموزان است. دامنه نمرات ۵۷ نشان می‌دهد که تفاوت‌های قابل توجهی در احساس تعلق بین دانش‌آموزان وجود دارد. انحراف معیار ۱۲.۰۳ نشان‌دهنده پراکندگی مناسب این احساسات در میان دانش‌آموزان است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی میان کل مقیاس احساس تعلق به مدرسه و پاره مقیاس‌های مربوطه

مشارکت علمی	تعلق فرد به مدرسه	احساس مثبت به مدرسه	احساس عدالت و رعایت	مشارکت اجتماعی	حمایت معلم	
-	-	-	-	-	-	حمایت معلم
-	-	-	-	-	۰/۵۹۹	مشارکت اجتماعی
-	-	-	-	۰/۴۷۹	۰/۸۰۰	احساس رعایت عدالت و احترام
-	-	-	۰/۴۰۱	۰/۴۶۲	۰/۵۳۸	احساس مثبت به مدرسه
-	-	۰/۳۹۵	۰/۵۹۷	۰/۵۶۰	۰/۷۰۹	تعلق فرد به مدرسه
-	۰/۵۸۱	۰/۳۹۲	۰/۶۱۳	۰/۵۲۸	۰/۶۱۴	مشارکت علمی
۰/۷۵۰	۰/۸۰۶	۰/۶۴۸	۰/۸۳۲	۰/۷۴۷	۰/۹۳۸	احساس تعلق به مدرسه (متغیر اصلی)

جدول ۳ نیز ضریب همبستگی میان پاره مقیاس‌ها و مقیاس اصلی را نشان می‌دهد.

حمایت معلم و احساس تعلق به مدرسه (۰/۹۳۸): این مقدار بسیار بالا نشان‌دهنده‌ی این است که حمایت معلم تأثیر بسیار قوی و مستقیم بر احساس تعلق به مدرسه دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر دانش‌آموزان احساس حمایت بیشتری از معلمان خود داشته باشند، احتمال اینکه به مدرسه تعلق بیشتری پیدا کنند نیز بیشتر خواهد بود. این ارتباط نشان‌دهنده‌ی اهمیت زیاد ارتباط معلم و دانش‌آموز در ایجاد احساس مثبت در دانش‌آموزان نسبت به مدرسه است.

تأثیر بسیار قوی و مستقیم بر احساس تعلق به مدرسه دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر دانش‌آموزان احساس حمایت بیشتری از معلمان خود داشته باشند، احتمال اینکه به مدرسه تعلق بیشتری پیدا کنند نیز بیشتر خواهد بود. این ارتباط نشان‌دهنده‌ی اهمیت زیاد ارتباط معلم و دانش‌آموز است. حمایت معلم و مشارکت علمی (۰/۶۱۴): این همبستگی مثبت اما نسبتاً متوسط نشان‌دهنده‌ی این است که دانش‌آموزانی که حمایت بیشتری از معلمان خود دریافت می‌کنند، احتمالاً در فعالیتهای علمی مدرسه مشارکت بیشتری دارند. این می‌تواند نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ای باشد که در آن حمایت معلم به انگیزه علمی دانش‌آموزان کمک می‌کند. حمایت معلم و احساس رعایت عدالت و احترام (۰/۸۰۰): این همبستگی قوی نشان‌دهنده‌ی این است که احساس حمایت معلمان ارتباط زیادی با احساس رعایت عدالت و احترام در مدرسه دارد. به این معنا که وقتی دانش‌آموزان احساس می‌کنند که معلمانشان از آنها حمایت می‌کنند، بیشتر احساس می‌کنند که در مدرسه به‌طور عادلانه و محترمانه رفتار می‌شود. مشارکت اجتماعی و تعلق فرد به مدرسه (۰/۵۶۰): همبستگی مثبت و متوسطی که بین مشارکت اجتماعی و تعلق فرد به مدرسه وجود دارد نشان‌دهنده‌ی این است که دانش‌آموزانی که در فعالیتهای اجتماعی مدرسه مشارکت بیشتری دارند، احتمالاً احساس تعلق بیشتری به مدرسه پیدا می‌کنند. به عبارتی دیگر، مشارکت اجتماعی می‌تواند عاملی برای ایجاد احساس تعلق بیشتر به مدرسه باشد. مشارکت اجتماعی و احساس مثبت به مدرسه (۰/۴۶۲): این همبستگی نیز نشان‌دهنده‌ی این است که مشارکت اجتماعی تأثیر مثبتی بر احساس کلی دانش‌آموز از مدرسه دارد. هرچقدر که دانش‌آموزان در فعالیتهای اجتماعی بیشتری در مدرسه شرکت کنند، احتمالاً احساس مثبت‌تری نسبت به محیط مدرسه خواهند داشت. احساس رعایت عدالت و احترام و احساس تعلق به مدرسه (۰/۵۹۷): این همبستگی نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالای احساس عدالت و احترام در تقویت تعلق به مدرسه است. هرچقدر که دانش‌آموزان احساس کنند که در مدرسه با آنها به‌طور عادلانه و محترمانه رفتار می‌شود، احساس تعلق بیشتری به مدرسه خواهند داشت. احساس رعایت عدالت و احترام و مشارکت علمی (۰/۶۱۳): این همبستگی متوسط به بالا نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت احساس عدالت و احترام بر مشارکت علمی است. این می‌تواند به این معنا باشد که وقتی دانش‌آموزان احساس می‌کنند که در مدرسه به آنها احترام گذاشته می‌شود و با آنها عادلانه رفتار می‌شود، احتمالاً در فعالیتهای علمی بیشتری مشارکت خواهند داشت. تعلق فرد به مدرسه و احساس مثبت به مدرسه (۰/۶۴۸): این همبستگی قوی نشان‌دهنده‌ی این است که احساس تعلق به مدرسه ارتباط زیادی با احساس مثبت به مدرسه دارد. این نشان می‌دهد که وقتی دانش‌آموزان احساس تعلق بیشتری به مدرسه پیدا می‌کنند، احساس مثبت‌تری نیز نسبت به مدرسه خواهند داشت. ارتباط زیادی با احساس مثبت به مدرسه دارد. این نشان می‌دهد که وقتی دانش‌آموزان احساس تعلق بیشتری به مدرسه پیدا می‌کنند، احساس مثبت‌تری نیز نسبت به مدرسه خواهند داشت. مشارکت علمی (۰/۵۸۱): این همبستگی نشان‌دهنده‌ی این است که دانش‌آموزانی که احساس تعلق بیشتری به مدرسه دارند، در فعالیتهای علمی نیز مشارکت بیشتری خواهند داشت. این می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این باشد که تعلق به مدرسه انگیزه‌ای برای پیشرفت علمی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. مشارکت علمی و احساس تعلق به مدرسه (۰/۷۵۰): این همبستگی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی قوی و مثبت بین مشارکت علمی و احساس تعلق به مدرسه است. این نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در فعالیتهای علمی مدرسه مشارکت بیشتری دارند، احتمالاً احساس تعلق بیشتری به مدرسه پیدا می‌کنند. این می‌تواند به این معنا باشد که فعالیتهای علمی می‌توانند به عنوان یک ابزار برای تقویت احساس تعلق به مدرسه استفاده شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های جدول ۱ و میانگین هر یک از مؤلفه‌های مورد بررسی، حمایت معلم (۲۹/۸۸)، مشارکت اجتماعی (۱۲/۵۳)، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه (۱۳/۲۳)، احساس مثبت به مدرسه (۱۱/۷۴)، تعلق فرد به مدرسه (۸/۷۹) و مشارکت علمی (۱۰/۱۲) درمی‌یابیم که هر ۶ مؤلفه در میان دانش آموزان افغان به میزان خوب و قابل قبولی وجود دارد که این بیانگر عملکرد مناسب مدارس در برخورد با دانش آموزان افغان است. بر اساس داده‌های جدول ۲ احساس تعلق به مدرسه با میانگین ۸۶.۲۸ به طور کلی نشان‌دهنده احساس قوی نسبت به محیط مدرسه از سوی دانش‌آموزان است. دامنه نمرات ۵۷ نشان می‌دهد که تفاوت‌های قابل توجهی در احساس تعلق بین دانش‌آموزان وجود دارد. انحراف معیار ۱۲.۰۳ نشان‌دهنده پراکندگی مناسب این احساسات در میان دانش‌آموزان است. بر اساس داده‌های جدول ۳ عواملی همچون رابطه معلم و دانش‌آموزان و احساس دریافت حمایت از سوی معلمان، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه، ایجاد عدالت در آموزش و رفتار میان تمامی دانش‌آموزان می‌توانند در افزایش احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه تأثیرگذار باشند. نتایج پژوهش (Javdan & Montaseri, 2011) نشان داد که احساس تعلق، سازگاری اجتماعی، عاطفی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی بالاتر از دانش‌آموزان افغان است اما میزان این متغیرها در دانش‌آموزان افغان سطح قابل قبولی دارد که از این حیث نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش مذکور همسو است. به طور کلی احساس تعلق در بین دانش‌آموزان افغان سطح خوبی دارد. اما برخی از مؤلفه‌ها مانند مشارکت علمی سطح پایینی در بین دانش‌آموزان دارد. برای رفع این گونه موارد نیازمند اتخاذ تصمیماتی هستیم که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

تقویت برنامه‌های حمایتی معلمان: پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های توسعه مهارت‌های معلمی برای تقویت ارتباطات مثبت با دانش‌آموزان ایجاد شود. این می‌تواند شامل آموزش‌های حرفه‌ای در زمینه هوش عاطفی و مهارت‌های ارتباطی باشد.

ایجاد محیط عادلانه و محترم: مدارس باید تلاش کنند تا ساختارها و سیاست‌هایی برای ایجاد یک محیط عادلانه و احترام‌آمیز طراحی کنند، به‌ویژه در برخورد با تنوع دانش‌آموزان. برنامه‌های آموزشی در زمینه حقوق انسانی و تنوع می‌تواند به درک بهتر از این اصول کمک کند.

تقویت مشارکت علمی و اجتماعی: راهکارهایی برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های علمی و اجتماعی باید توسعه یابد. این می‌تواند شامل ایجاد پروژه‌های گروهی، مسابقات علمی و رویدادهای اجتماعی شود که دانش‌آموزان را تشویق کنند تا همکاری کنند و درگیر فعالیت‌های مدرسه شوند.

ارزیابی و بررسی مداوم: مدارس باید بررسی‌های دوره‌ای و نظرسنجی‌های مستمر از دانش‌آموزان انجام دهند تا احساسات و تجربیات آن‌ها را درک کنند و بر اساس این داده‌ها، اقدامات لازم را به منظور بهبود کیفیت آموزشی و اجتماعی انجام دهند.

حمایت از سلامت روان: با توجه به این‌که تعلق به مدرسه و احساسات مثبت به آن می‌تواند تحت تأثیر سلامت روان دانش‌آموزان قرار گیرد، پیشنهاد می‌شود که خدمات مشاوره‌ای و پشتیبانی روانی در مدارس تقویت شود.

همچنین از داده‌های جدول ۳ نتیجه می‌گیریم حمایت معلم به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس تعلق به مدرسه شناخته شده است. بنابراین، تقویت حمایت معلمان از دانش‌آموزان به‌صورت عاطفی و آموزشی می‌تواند به افزایش تعلق آن‌ها به مدرسه کمک کند. مشارکت اجتماعی و علمی رابطه‌ای مثبت و متوسط با احساس تعلق به مدرسه دارند. تقویت این دو می‌تواند به ایجاد محیطی مشارکتی‌تر و تعلق‌آورتر برای دانش‌آموزان منجر شود. احساس رعایت عدالت و احترام نیز تأثیر زیادی بر احساس تعلق و مشارکت علمی دارد، بنابراین ایجاد محیطی عادلانه و محترمانه باید در اولویت قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر نتیجه پژوهش مشارکتی نویسندگان مذکور در فایل مقاله است.

تشکر و قدردانی

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Abbasi-Shavazi, M. J., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2008). Second -generation Afghans in Iran: Integration, Identity and Return. *Afghanistan Research and Evaluation Unit*. [In Persian]
- Alirezai, R., & Sattari, S. (2019). A comparison of the sense of belonging to school and the motivation for academic achievement of secondary school students in regular and smart schools. *Educational Research*, 5(17), 1-14. [In Persian]
- Basu, S., & Banerjee, B. (2020). Impact of environmental factors on mental health of children and adolescents: A systematic review. *Journal of Children and Youth Services Review*, 119, 105515.
- Beatty, B., & Brew, C. (2005). Measuring student sense of connect with school; development of instrument for use in secondary school. *Leading & Managing*, 2, 5-65.
- Bostic, J. H. (2003). Constructive thinking, mental health and physical health, Ph.D. dissertation, Saint Louis University.
- Brew, C., Beatty, B., & Watt, A. (2004). Measuring students' sense of connectedness with school. In *Australian Association for Research in Education Annual Conference, Melbourne*.
- Gregorian, V. (2014). The emergence of modern Afghanistan: Politics of reform and modernization, 1880-1946. Stanford University Press.
- Hakimzadeh, R., Durrani, K., Abolghasemi, M., & Nejati, F. (2014). Investigating the relationship between the sense of belonging to the school and the motivation for academic achievement and performance of students in the theoretical secondary school of Isfahan. *Journal of Educational Sciences*, 21(1)1, 151-166. [In Persian]
- Hossein Mardi, A. A., Ghorban Shiroudi, Sh., Zar Bakhsh Bahri, M. R., & Tiz Dast, T. (2021). The relationship between academic enthusiasm, enthusiasm for school and sense of belonging to school with academic achievement through motivation for academic achievement in male students. *Sociology of Education*, 7(2), 178- 189. [In Persian]
- Irma Kue, M., Nuryakin, N., & Suwanti, A. (2023). The Effect of Reward, Career Development and Task Oriented Leadership Style on Employee Performance with Job Satisfaction as Intervening Variables. *Jurnal Aisyah: Jurnal Ilmu Kesehatan*, 8(2), 1-8.
- Javdan, M., & Montaseri, P. (2011). Comparison of sense of belonging, social and emotional adjustment and academic vitality in Iranian and Afghan elementary school students. *Iranian Developmental Educational Psychology*, 3(4), 596-605. [In Persian]
- Ju, H. (2017). The relationship between physical activity, meaning in life, and subjective vitality in community-dwelling older adults. *Archives of gerontology and geriatrics*, 73, 120-124.

- McNealy, C., nonnemakev, J., & Blim, R. (2002). Promotiong school connectedness: evidence from the national longitudinal study of adolescent health. *Journal of school health*, 72(47), 138-146.
- Mirzaei, H. (2017). Studying the educational adjustment of Afghan immigrants in Iran. *Journal of Social Work Research*, 4(11), 43-84. [In Persian]
- Misrabadi, J. (2010). Normative assessment and exploratory factor analysis of the revised questionnaire measuring attitudes towards school. *Education and Evaluation (Educational Sciences)*, 3(12), 107-119. [In Persian]
- Ryan, R. M., & Deci, E. (2008). From ego-depletion to vitality: Theory and findings concerning the facilitation of energy available to the self. *Social and Personality Personality of Environmental Development Psychology*, 2(2), 702-717.
- Sajjadpour, F., & Jamali Sousefi, E. (2016). Afghan bread and the challenges of returning home (Case study: Afghan migrant women living in Mashhad). *Iranian Anthropological Research (Social Sciences Journal)*, 6(2), 131-151. [In Persian]
- Sharifi, F., Marzieh, A., & Janabadi, H. (2017). The relationship between achievement goals and the sense of belonging to school and students' mental well-being. *School Psychology*, 6(4), 99-119. [In Persian]
- Sylvester, B. D. (2011). Well-being in volleyball players: Examining the contributions of independent and balanc ed psychological need satisfaction. *Psychology of Sport and Exercise*, 12(5), 533-539.
- Vlachopoulos, S. P., & Karavani, E. (2009). Psychological needs and subjective vitality in exercise: A cross-gender situational test of the needs universality hypothesis. *Hellenic Journal of Psychology*, 6(2), 207-222.
- Whitlock, J. L. (2006). Youth perceptions of life at school: Contextual correlates of school connectedness in adolescence. *Applied developmental science*, 10(1), 13-29.
- Wong, T. K., Parent, A. M., & Konishi, C. (2019). Feeling connected: The roles of student-teacher relationships and sense of school belonging on future orientation. *International Journal of Educational Research*, 94, 150-157.
- You, S., Furlong, M. J., Felix, E., Sharkey, J. D., Tanigawa, D., & Green, J. G. (2008). Relations among school connectedness, hope, life satisfaction, and bully victimization. *Psychology in the Schools*, 45(5), 446-460.